فصلنامه علمی تخصصی روانشناسی، علوم اجتماعی و علوم تربیتی ، دوره ۱، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۶، ص ۱۳-۰۱
ISSN: 2588-3976
http://www.Tajournals.com

عنوان مقاله: بررسی تعلیم و تربیت از دیدگاه نهج البلاغه
دوره ۱ / شماره ۳ / زمستان ۱۳۹۶/ ص ۱۳-۰۱

بررسی تعلیم و تربیت از دیدگاه نهج البلاغه

سید احمد هاشمی [۱] و مریم ستایش فر [۲]

۱- دانشیار گروه علوم تربیتی ، واحد لامرد ،دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران
۲-دانشجوی رشته دکترا فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی لامرد، ایران
t_setayeshfar@yahoo.com

چکیده

هدف از این پژوهش آشنایی با اصول اخلاقی و شناخت نهج البلاغه در جهت تعلیم تربیت انسان است. «تعلیم» و «تربیت» دو مفهوم کلیدی در حیات علمی و معنوی بشر است که پیوسته در کنار هم به کار رفته، و همراه هم هستند ، در این پژوهش با استفاده از روش کیفی از کلیه منابع چاپی و الکترونیکی در دسترس، مبتنی بر اهداف و سؤالات پژوهش برای جمع آوری اطلاعات، استفاده شد است، سعی بر آن است که ضمن تعریف تعلیم و تربیت،ویژگی ها ی تربیتی نظام اسلامی بررسی و سپس با استفاده از بیان فصیح و بلیغ امیر المومنین (ع)اهداف تربیت،آداب تعلیم وتعلم وشیوه های تربیتی مد نظر آن حضرت بررسی شود.

واژگان کلیدی: تربیت، نظام اسلامی، نهج البلاغه

10.21859/psychol-……

فصلنامه علمی تخصصی روانشناسی، علوم اجتماعی و علوم تربیتی ، دوره ۱، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۶، ص ۱۳-۰۱
ISSN: 2588-3976
http://www.Tajournals.com

- **مقدمه**

تعلیم و تربیت نیاز ضروری بشر است به گونه‌ای که در طول حیات خود، پیوسته بدان نیازمند است. از این‌رو، از دیرباز این امر مورد توجه مربیان بزرگ و مصلحان اجتماعی بوده است. با این حال، عدم توجه به ماهیت این دو مفهوم در پاره‌ای موارد، موجب عدم بهره‌گیری از ظرفیت و جایگاه بایسته هر یک شده است: گاهی اوقات، با تمرکز و اهتمام بر یکی، از اهتمام و توجه به دیگری غفلت شده و احیاناً به تفکیک و جدایی این دو از هم و در نتیجه، بروز پیامدهای نامطلوب در روند رشد افراد جامعه شده است. در برخی مراکز تمرکز بر آموزش شده و از پیامدهای ضمنی تربیتی آن غفلت شده است و یا به بهانه اهتمام به امر تربیت، از کیفیت آموزش کاسته شده است. اسلام مکتبی است الهی که هدف نهایی آن هدایت انسان به‌سوی خدا و آراستن وی به صفات و اخلاق الهی است بدان سان که به‌جز خدا همه قدرت‌های طاغوتی نفی شود و انسان با عبادت پروردگار بر تقرب هرچه بیشتر به ذات ذوالجلال او بیفزاید. در این مکتب، مهم‌ترین ابزار تحقق آرمان‌های اسلامی، ایجاد آگاهی و شناخت در انسان‌ها و مقدم‌داشتن آن بر هر نوع اعمال خشونت و زور معرفی شده است؛ زیرا اسلام بر آن است که عقل و اندیشه و همه نیروهای خلاق و سازنده آدمی را از قیود جهل و خرافه، موهوم‌پرستی و دیگر زنجیرها آزاد کند و راه تکامل و سعادت را بر آنان هموار سازد (حسینی، ۱۳۷۹. **۶).**

انسان به عنوان شگفت انگیزترین آفریده خدای متعال و اشرف موجودات و والاترین نشانه قدرت بی منتهای اوست که توانایی اتصاف به همه صفات و کمالات الهی را دارد.خداوند او را خلیفه و جانشین خود خلق کرد تا به مقام قرب برسد و این جز با تربیت صحیح محقق نخواهد شد .حقیقت انسان، ملکوتی است که با طی مراتب نزولی در عالم خاکی سکنی گزیده است و تربیت تنها راه دستیابی به آن حقیقت مقدس است.پیامبران الهی آمدند تا زمینه های رسیدن به این حقیقت را در وجود انسان فراهم آورند و آنان را در مسیر صحیح تربیت مورد نظر خدای متعال قرار دهند تا از ظلمات به سوی نور هدایت رهنمون گردند.بی شک اگر انسان بر اساس معیارهای الهی تربیت نشود در همان مرتبه حیوانیت باقی خواهد ماند.اخلاق و تربیت به دلیل نقش مهمی که در سرنوشت انسان و جامعه دارد، از دیرباز کانون توجه اندیشمندان و پیشوایان دینی بوده است .قسمت اعظم آموزه های دینی یهود، مسیحیت و اسلام و دیگر ادیان را اخلاقیات، و قسمت بیشتر فعالیت های اولیای ادیان مختلف را تربیت اخلاقی تشکیل می دهد . در میان فیلسوفان نیز تربیت اخلاقی به منزله شاکله تربیت آدمی لحاظ آزاد منش وحسینی، عمیق ترین بخش تعلیم و تربیت، تربیت اخلاقی است شده است و از این روست که کانت می گوید (۱۳۹۳ ، ش ۱۲:۱۲۰)

تربیت

واژه «تربیت» عربی است. معادل لاتینی آن «Education» و معادل فارسی آن »پرورش» است. از آنجا که در پرتو دین اسلام و برگزیدن آن از سوی پارسیان، تداخل و تعامل زیادی میان واژگان فارسی و عربی ایجاد شده است و واژگان عربی به طور وسیع، به حوزه ادبیات فارسی‌زبانان راه یافته است، امروزه واژۀ «تربیت» در ادبیات فارسی‌زبانان جایگاه ویژه‌ای یافته است. حتی می‌توان ادعا نمود که کاربرد آن، به ویژه در عرصه «آموزش و پرورش»، بیش از «پرورش «شهرت یافته است. به هر حال، این واژه در زبان فارسی، در معانی گوناگونی چون »پروردن»، «پروراندن»، آداب و اخلاق را به کسی «آموختن» و در زبان عربی، به معانی متعددی چون «حضانت»، «اصلاح»، «تدبیر»، «تتمیم»، «تکمیل«، »تأدیب»، «تغذیه نمودن»، «رشد و نموّ کردن» و «تهذیب نمودن «به کار رفته است. از تربیت تعریف‌های مختلفی به عمل آمده است که مهم‌ترین تعاریفی که از این واژه شده است به قرار زیر است: «واژه ی تربیت از ریشه‌های ربا، یربوا یا ربی، یرب می باشد. از ربا، یربوا به معنی افزودن، پروراندن و برکشیدن، برآوردن، رویانیدن و تغذیه کودک می‌باشد. از ریشه رب، یرب به معنای پروریدن، سرپرستی، رهبری کردن، رساندن به فرجام، نیکو کردن، به تعالی و تکامل رساندن، ارزنده ساختن، از افراط و تفریط درآوردن و به اعتدال رسانیدن می باشد، و اگر منظور از تربیت، انسان باشد یعنی فرهیختن انسان» (دفتر حوزه و همکاری دانشگاه، ۱۳۸۱: ۸۹).

10.21859/psychol-……

فصلنامه علمی تخصصی روانشناسی، علوم اجتماعی و علوم تربیتی ، دوره ۱، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۶، ص ۱۳-۰۱
ISSN: 2588-3976
http://www.Tajournals.com

تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی که بالقوه در یک شی ء موجود است به فعلیت در آوردن (مطهری، ۱۳۷۸ : ۹۸).

تعلیم: تعلیم یعنی رساندن متعلم به حدی که حقیقت شی مورد نظر را طوری درک کند که بتواند مفهوم مورد نظر را در نفس خویش تصور کند. به دیگر سخن: تعلیم، انتقال عین معلوم به ننفس متعلم است.

در حقیقت تعلیم آنگاه تحقق می‌یابد که بتوان متعلم را نسبت به معلوم عالم نامید. بدیهی است که تعلیم اعم از تحفیظ است و آیات و احادیث بیانگر این نکته‌اند که تحفیظ ها تعلیم نیست. تعلیم وقتی است که در عین مفهوم به قلب دانش آموز یا دانشجو منتقل شده و نقش ببندد (روستایی، ۱۳۸۹: ۷۶).

با توجه به تعریف فوق، متعلم می‌بایست قدم به قدم و مرحله به مرحله جلو برده شود و از طرفی متناسب با سن و شرایط و روحیات او تعالیم تنظیم و تبویب شوند و آموزه ها باید کاربردی و به گونه‌ای باشند که مورد نیاز و استفاده در زندگی آنان باشد و صرفاً یک سری مسائل تئوری و حفظی فراموش شدنی نباشد.

۱- تربیت در اسلام: تربیت اسلامی عبارت است از شکوفایی استعدادهای خدادادی در هر انسان، جهت ایجاد یک اعتدال در زندگی و با قصد رسیدن به اهداف و کمال مطلوب مورد نظر خداوند از دیدگاه استاد مطهری «تربیت یعنی پرورش دادن و به فعلیت رسانیدن استعدادها و ایجاد تعاون و هماهنگی میان آن استعدادها، تا متربی بتواند به حد اعلای کمال خود برسد. تمامی تعاریف علمای اسلامی حول همین تعریف و با تأکید بر هدف کسب قرب الهی بیان شده اند» (بهشتی، ۱۳۸۵ : ۱۴۲).

امام علی(ع) در مورد تربیت فرمود: هیچ بخششی از جانب پدر به فرزند، برتر از ادب و تربیت نیکو نیست (دهشیری، ۱۳۸۵ : ۸۱).

می‌توان آنچه را اصطلاحا تربیت اسلامی گفته می شود چنین تعریف کرد: شناخت خدا به عنوان رب یگانه ی انسان و جهان و برگزیدن او به عنوان رب خویش و تن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیر (باقری، ۱۳۸۴ : ۹۲).

جایگاه تعلیم و تربیت در اسلام

از نظر اسلام به همان اندازه که آفرینش انسان در بین موجودات دارای اصالت و اهمیت است، تعلیم و تربیت او نیز که سبب اتصال به مقصود و هدف نهایی آفرینش است، دارای اهمیت است. انسان تا در میدان تعلیم و تربیت گام ننهد، توانایی‌هایش از مرحله ی نهان و نهفته به مرحله‌ی فعلیت و شکوفایی نمی‌رسد، پس از سیر تکاملی محروم می ماند(محمدی، ۱۳۷۵: ۱۱۱).

"تعلیم عبارت است از سخن گفتن و القای کلمات معنا دار، تا متعلم به معنای آن الفاظ پی ببرد و بدین وسیله استعداد تعلم خویش را به فضیلت رساند و عالم شود و تربیت عبارت است از: پرورش و استکمال تدریجی موجود و تبدیل استعدادهای درونی آن به فعلیت" (امینی، ۱۳۹۲ :۲۸).

تعلیم و تربیت تا بدان‌جا در تحول فرد و جامعه مؤثر است که می‌توان ادعا نمود ارزش هر مکتبی از تربیت شدگان آن مکتب فهم می‌شود، اگر مکتبی بتواند شخصیت‌های بزرگ علمی و اجتماعی خود را تحویل جامعه دهد، این امر به دلیل داشتن برنامه‌ی صحیح آموزش و استعدادها و روشن نمودن افکار وآحاد جامعه است. در تعلیم و تربیت اسلامی به صورت دقیق و حساب شده برای تعلیم و تربیت جامعه برنامه ریزی شده است، به گونه‌ای که جنبه ی آلی و ابزاری بودن تعلیم برای تزکیه و تربیت لحاظ شده، همه‌ی استعدادهای جسمی، روحی، عاطفی و عقلی انسان‌ها به صورت همسان، هماهنگ و مناسب پرورش داده می‌شود (مشایخی، ۱۳۸۵: ۳۸).

"به نظر ارسطو تعلیم و تربیت عبارت است از: "مجموعه اعمالی که بوسیله خانواده یا دولت برای ایجاد فضایل اخلاقی مدنی در افراد صورت می گیرد. پس این اعتبار شاید بتوان آن را بخشی از علم اخلاق شمرد. ارسطو گاهی این مجموعه را «فنی» می‌داند که طفل برای کسب فضیلت (مدنی) آماده یا این فضیلت را به او القاء می‌کند" (کاردان و همکاران، ۱۳۸۶ : ۱۷۷).

10.21859/psychol-……

فصلنامه علمی تخصصی روانشناسی، علوم اجتماعی و علوم تربیتی ، دوره ۱، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۶، ص ۱۳-۰۱
ISSN: 2588-3976
http://www.Tajournals.com

اهداف تربیت در اسلام

هدف غایی تربیت آن است که مقدمات حرکت و هدایت آدمی را به صورت آینده و زندگی سعادت‌مند فراهم آورد و معراج او را به کمال انسانی آسان سازد. اهداف کلی تربیت مانند موجی از دریای هدف غایی آن سر برمی آورد و همچون مجموعه ای هماهنگ و مرتبط با یکدیگر بر پایه‌ی این هدف استوار، حول محورش در جنبش‌اند. از هدف های تربیت اسلامی آن است که مقدمات حرکت و هدایت آدمی را در صراط مستقیم پرستش پروردگار فراهم آورد و معراج او را به مرحله‌ی کمال انسانی آسان سازد و راه بازگشت به احسن تقویمی را که بنیاد آفرینش وی بر آن استوار است، هموار کند و به یاری عمل صالح از مراحل و مدارج علم و ایمان بگذراند و هر لحظه بیشتر به خدا که مقصد نهایی این سیر و سلوک است نزدیک کند. به عبارت دیگر، انسان باید چنان ساخته شود که با دوری از رذایل و آلودگی ها، استعدادهای عالیه ی روحی و ملکوتی اش شکوفا شده و چنان به کمالات علوی و فضایل ملکوتی آراسته گردد که استعدادها و لیاقت قدم نهادن در آستان قرب ربوبی را کسب و با وصال به حق، به سعادت جاودان برسد (چراغ چشم، ۱۳۸۹: ۶۵).

۱- پرورش استعدادها: یکی از مراحل اولیه‌ی تربیت انسان، آگاهی از وضعیت جسمی، عقلی، ایمانی و استعدادهای خدادادی است. راه تقویت و پرورش این استعدادادها مانند فضایل دیگر تربیتی مستلزم تمرین و ممارست و مجاهدت است که با فراهم آوردن اندوخته ی علمی لازم، عملی می‌شود. یکی از هدف‌های تعلیم و تربیت اسلامی این است که انسان متفکر پرورش یابد (همان).

تعلیمات اسلامی نشان می دهد که این مکتب مقدس الهی به همه‌ی ابعاد انسان اعم از جسمی و روحی، مادی معنوی، فکری و عاطفی، فردی و اجتماعی توجه عمیق داشته است و نه تنها جانب هیچ کدام را مهمل نگذاشته است، بلکه عنایت خاص به«پرورش»همه‌ی اینها روی اصل معینی داشته است (مطهری، ۱۳۷۸: ۹۶).

۲- پرورش قوه‌ی ابتکار و تفکر در انسان: قوام و دوام زندگی انسان روی زمین، بر فکر استوار است و هر چه فکر صحیح‌تر و تمام‌تر باشد، زندگی بهتر و محکم تر خواهد بود. «مسئله علم همان آموزش دادن است، «تعلیم» عبارت است از یاد دادن. از نظر تعلیم متعلم فقط فرا گیرنده است و مغز او همچون انباری است که فقط معلومات در آن ریخته می شود ولی در آموزش، کافی نیست که هدف این باشد» ولی با رد این نظریه باید متذکر شد:هدف معلم باید بالاتر باشد و آن این است که نیروی فکری، متعلم را پرورش و استقلال بدهد و قوه‌ی ابتکار او را زنده کند (مطهری، ۱۳۷۸: ۴۵).

۳- پرورش روحیه ی علمی: در اسلام تعلیم و تربیت تمام شدنی نیست و پایان پذیر نمی‌باشد. بزرگان اسلام و عالمان اسلامی حتی در جنگ و کارزار با دشمن و یا در بستر مرگ نیز اگر سؤالی که پاسخش در تربیت انسان ها مؤثر بود، مطرح می‌کردند، برای جواب دادن به آن سؤال وقت می‌گذاشتند (چراغ چشم، ۱۳۸۹: ۶۱).

اینکه در اسلام داریم که تفکر عبادت است، غیر از این است که تعلیم عبادت. این، دو مسئله است. ما یکی در باب تعلیم و تعلم داریم که تعلیم عبادت است، و یکی در باب تفکر داریم که تفکر عبادت است و آنچه در باب تفکر داریم بیشتر است از آنچه در باب تعلم داریم. مثلاً: «افضل العباده التفکر، برترین عبادت ها، تفکر است» (کافی، ج۲ :۵۵)فرق است میان بودن و روح علمی داشتن. ای بسا افرادی که روح علمی دارند ولی عالم نیستند و ای بسا کسانی که عالم اند و روح علمی ندارند. عالم واقعی آن است که روح علمی توام باشد با عملش.

۴- پرورش روح: روحی که در قرآن به انسان اطلاق شده، در همه ی موارد خدا انتساب پیدا کرده و این انتساب روح به حق تعالی اضافه ی ملکیت است و روح پدیده ای غیر از سنخ بدن است. روح چیزی است که در چهارپایان و انسان ها وجود دارد. از امام محمد باقر(ع) در خصوص تفسیر روح سؤال شده فرمود: «قدرتی از ملکوت و عالم مجرد است» (مطهری، ۱۳۷۸: ۶۱).

۵- پرورش جسم: در اهمیت و توجه به حفظ و نگهداری و سلامت جسم در دین مبین اسلام-چه در قرآن و چه از سوی معصومین (ص) سفارشات فراوانی شده که امانتی است در دست ما؛ پیامبر (ص) فرمودند: تن و بدن تو بر تو حقی دارد که باید وظیفه خود را

10.21859/psychol-……

فصلنامه علمی تخصصی روانشناسی، علوم اجتماعی و علوم تربیتی ، دوره ۱، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۶، ص ۱۳-۰۱
ISSN: 2588-3976
http://www.Tajournals.com

در ادای آن حق، ایفا نمایی. ادای حق بدن ایجاب می کند گه انسان در نگاهبانی و تأمین حوائج آن بکوشد و از تندرستی خویش پاسداری کند (چراغ چشم، ۱۳۸۹).

اسلام، تن پروری به معنای نفس پروری به معنای نفس پروری و شهوت پرستی را شدیداً محکوم کرده است، (مطهری، ۱۳۷۸: ۶۲).

۶- رشد: رشد مجموعه تغییراتی است که با پیشرفت و ترقی همراه بوده و هدف مشخصی دارد. این تغییرات به طور منظم در طرح معینی صورت می گیرد. رشد کلمه‌ای است که از قرآن مجید گرفته شده است. قرآن مجید در رابطه با کودکان بی سرپرستی که دارای ثروت هستند. این اصطلاح را به کار برده است و در مورد یتیمان می‌فرماید: «یتیمان که سرپرست خود را از دست داده‌اند و مملوک و ثروتی دارند، تا زمان بلوغ بر آنها سرپرستی کنید و ثروتشان را در اختیارشان قرار ندهید (چراغ چشم، ۱۳۸۹ :۸۲).

البته بلوغ شرط لازم است اما کافی نیست، زیرا علاوه بر بلوغ، «رشد» لازم است. در اصطلاح متداول فارسی امروز به کسی رشید می‌گوییم که اندام خیلی موزون و برازنده‌ی داشته باشد و عرب این را «رشیق» می گوید. (مطهری، ۱۳۷۸). این رشد هم عبادی و هم رشد فردی و اخلاقی را شامل می شود.

رشد در عبادت یعنی بندگی خدا کردن؛ «مقصود این نیست که قبلا نشاطی وجود داشته باشد تا عبادت شروع شود. بسا افرادی که هیچ گاه نشاط پیدا نخواهد کرد. خود نشاط به تدریج با عبادت و انس با ذکر خدا پیدا می شود. عبادت اگر روی صورت گیرد به تدریج انس و نشاط پیدا می شود. (مطهری، ۱۳۷۸: ۶۳).

در رشد فردی «اولین رشدی که انسان باید از آن بهره مند شود فردی و شخصی و اخلاقی است. این سؤال پیش می آید که آیا اغلب می تواند این سرمایه را اداره و از آن بهره برداری کند؟ باور کنید کمتر کسی است که چنانکه باید از سرمایه های فردی و شخصی خود بهره برداری می کند» (کلینی. ۱۳۷۲ :۳۶۵).

به منظور رسیدن به قرب الهی و نیز تأثیر بر دیگران جهت هدایت و راهنمایی آنها باید بدواً در فرد رشد صورت گیرد.

اخلاق و تربیت را از منظرگاه امام(علیه السلام)در نهج البلاغه

۱- اصول و فضیلت های اخلاقی در نهج البلاغه

نهج البلاغه طبیعتاً یک کتاب لغت نیست که در آن لغات اخلاقی و تربیتی شرح و توضیح داده شود بلکه چنان که قبلا هم گفته شد کتابی است که مطالبش در سه محور اعتقادات،اصول سیاسی و اجتماعی و مباحث اخلاقی بیان شده است .در اندیشگاه امام (علیه السلام)اصول و فضیلت های اخلاقی اهمیت فراوان دارد که در خطبه ها،نامه ها و حکمت های ایشان پیرامون آن ها مفصل بحث شده.در اینجا به مهم ترین آن ها اشاره می کنیم:

۱-شاه کلید سخنان امام(علیه السلام)در بحث فضیلت های اخلاقی ست .جهت پرورش انسان های صالح وشایسته که رسیدن « تقوی- :» تقوی به کمال مطلوب آرمان آن هاست تقوی مهمترین عامل به شمار آمده و به عنوان لوازم تعالی حیات روحانی و عزت دنیا و آخرت آدمی معرفی شده است. ایشان در خطبه ۱۱۴ تقوی را پناهگاه و زاد و توشه برای آخرت ای بندگان خدا شما را به تقوای الهی سفارش « » أُوصِيكُمْ عِبَادَ اللّهِ بِتَقْوَى اللّهِ الّتِي هِيَ الزّادُ وَ بِهَا الْمَعَاذُ زَادٌ مُبْلِغٌ وَ مَعَاذٌ مُنْجِحٌ :» می داند نیز در خطبه «. می کنم، که زاد و توشه سفر قیامت است .تقوا توشه ای است که به منزل رساند، پناهگاهی است که ایمن می گرداند۱۳۲ کسی که جامه تقوا بر قلبش بپوشاند،تقوی را عامل پیروزی انسان در کارهایش می داند «.کارهای نیکوی او آشکار شود و در کارش پیروز گردد ودر ابتدای نامه ۵۳ وفراوان از « أَمَرَهُ بِتَقْوَى اللّهِ وَ إِيْثَارِ طَاعَتِهِ :» به مالک اشتر او را به تقوا و اطاعت خدا مقدم بر دیگر کارها فرمان می دهد تقوا به عنوان زیر بنای اصول و فضیلت های اخلاقی سخن گفته اند.

۲- نظم:رعایت نظم از جمله موضوعات اساسی است که در نهج البلاغه غالباً پس از بحث تقوی که مهمترین موضوع در اسلام می باشد مطرح شده و امام ضمن خطبه ها، نامه ها و کلمات قصار خود، فرزندانش و همه مسلمانان را به رعایت آن توصیه فرموده است به عنوان نمونه در نامه ۴۷ می فرمایند **:** یکی از علت های سفارش زیاد امام(علیه) به نظم پس از سفارش به تقوا شاید در این

10.21859/psychol-……

فصلنامه علمی تخصصی روانشناسی، علوم اجتماعی و علوم تربیتی ، دوره ۱، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۶، ص ۱۳-۰۱
ISSN: 2588-3976
http://www.Tajournals.com

باشد که نظم و برنامه ریزی در زندگی است که می تواند راه های رسیدن به موفقیت و سعادتمندی در دنیا و آخرت را برای انسان هموار نماید و هر کس به این دو فضیلت اخلاقی مجهز باشد، یعنی هم متقی و هم منظم باشد، در تمام عرصه های زندگی موفق است.

۳-که هر کس خود را شناخت به بالاترین « مَعْرِفَةُ النَّفْسِ انْفَعُ الْمَعارِف- :» خودشناسی:امام(علیه السلام)آن را سودمندترین شناخت ها می داند ودر ادامه در خطبه « نالَ الْفَوْزَ الْاَکْبَرَ مَنْ ظَفِرَ بِمَعْرِفَةِ النَّفْسِ :» رستگاری رسیده است۱۷۶ خوشا به حال کسی که عیب شناسی نفس، او را از «» طُوبَی لِمَنْ شَغَلَهُ عَیْبُهُ عَنْ عُیُوبِ النَّاسِ :» می فرمایند :خوش به حال چنین کسانی «. عیب جویی دیگران باز دارد

۴- تواضع و فروتنی :از شریفترین صفات پسندیده وفضیلت های اخلاقی تواضع و فروتنی است که انسان را از بزرگ بینی بازداشته و مانع از سقوط انسان به دره های هلاکت می گردد : از وصیتهای امیرمؤمنان(ع)در بستر شهادت است که فرمودند مجلسی،«أَعْظَمِ الْعِبَادَةِ ۱۴۰۳ ،ج ۱۱۹:۷۲ و یا در حکمت « بر تو باد به فروتنی، که آن از بزرگترین عبادت است ۲۲۴ (» بِالتَّوَاضُعِ :»می فرمایند «.با فروتنی، نعمت کامل شود «» تَتِمُّ النِّعْمَةُ

۵- جوانمردی:وقتی این صفت بارز اخلاقی در فرد رخنه کرد آن وقت است که انسان جزء اقوام و بستگان بلکه مهربانتر از آن ها به شمار می رود، درست طبق فرموده امام(علیه السلام)در حکمت «. ۲۳۹ جوانمرد از خویشاوند مهربانتر است «» الْکَرَمُ أَعْطَفُ مِنَ الرَّحِمِ :» که یا در حکمت ۲۰ أَقِیلُوا ذَوِی الْمُرُوءَاتِ عَثَرَاتِهِمْ فَمَا یَعْثُرُ مِنْهُمْ عَاثِرٌ إِلَّا وَ یَدُ اللَّهِ بِیَدِهِ :» سفارش به چشم پوشی از خطای جوانمردان نموده است

از لغزشهای افراد جوانمرد، چشم پوشی کنید، که کسی از ایشان نمی لغزد مگر آن که دست خدا به دست اوست و او را بلند می » «یَرْفَعُهُ چرا که)جوانمردی، فضیلت بزرگی است که باعث جلب توجه مردم و میل قلبی و کمک آنان می گردد، بدین ترتیب، خطاکار جوانمرد، «) کند برای عنایت خدا، و همچنین به پا خواستن و جبران لغزش خود، آمادگی پیدا می کند(.ابن میثم، ۴۲۲:۱۳۷۵) از جمله فضیلت های اخلاقی دیگر موجود در این کتاب شریف می توان به :حسن معاشرت، انسان دوستی، صبر،عفو و گذشت،شکیبائی،

تواضع،شکرگزاری،جوانمردی، شجاعت، وفاداری، ثبات در قدم، قناعت، رازداری، فروتنی،انصاف،صلح و آشتی با مردم، دوراندیشی، میانه روی، مشاورت در امور،وفای به عهد، یادآوری مرگ، عبرتگیری از احوال گذشتگان و...اشاره کرد که امام متقیان(علیه السلام) آن ها را ضمن مواعظ و خطب و کلمات قصار خود مطرح فرموده و درباره اهمیت آن ها در زندگی فردی و اجتماعی انسان سخن گفته است که جلوههای

متنوع آن در سراسر کتاب شریفش هویداست و متاسفانه مجال پرداختن به آن ها **نیست.**

کاربرد تربیت در قرآن

در کاربرد قرآنی تربیت، ریشه «ربی» یا «ربو» از آن مورد توجه نبوده است. اشتقاقاتی از «رب» در مورد انسان نیز به کار رفته، که یکی از معانی آن، مفهوم رشد و نمود جسمی است. معادل این معنی در فارسی «بزرگ کردن» کودک است. یکی از صاحبنظران اسلامی با استناد به مفهوم لغوی و ریشه ای تربیت، آن را در امور جسمانی منحصر می داند و دو آیه را دلیل آن می شمارد: بگو: پروردگارا ! هر دو را رحمت کن به واسطه اینکه مرا در خردسالی تربیت کردند (اسرا/۲۴) فرعون گفت: آیا ما تو را در حال کودکی در میان خود نپروردیم؟ (شعرا/۸۱).

او معتقد است تربیت، چیزی بیش از پرورش جسمی نیست و «منحصراً به امور جسمانی اختصاص دارد » (بهشتی، ۱۳۸۵). صاحبنظر دیگری با عنایت به همین آیات، معتقد است تربیت در قرآن به مفهوم بزرگ کردن، رشد و نمو جسمی است.

10.21859/psychol-……

فصلنامه علمی تخصصی روانشناسی، علوم اجتماعی و علوم تربیتی ، دوره ۱، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۶، ص ۱۳-۰۱
ISSN: 2588-3976
http://www.Tajournals.com

حق این است که از دو آیه «رب ارحمها کما ربیانی صغیراً» و «الم نربک فینا و لیداً» مفهوم رشد جسمی مطلق استفاده نمی شود. به نظر می رسد نمی توان بزرگ کردن را به عنوان یکی از معنای تربیت، صرفاً به مفهوم رشد و نمو جسمی در نظر گرفت. در جمله دعائیه، تربیت عام جسمی و روحی مراد است که یکی از ابعاد آن، رشد و نمو جسمی است. فرعون نیز، مدعی تربیت و رشد موسی(ع) در ابعاد روحی، عقلی و جسمی بوده است و نه فقط تربیت جسمی به هر حال در کاربرد قرآنی به جای ریشه «ربو» باید ریشه «ربب» مورد توجه باشد. شاید بتوان اشتقاق اکبر را در اینجا مطرح کرد. نگاهی دقیق به قرآن کریم، این مطلب را فراروی ما می نهد که اتر و کاملتر طیف گسترده ای از آیات شریفه از ماده «ربب» بهره گیری و مشتقات گوناگون آن را بویژه در مورد انسان به کار برده است. به نظر می رسد مفهوم تربیت اسلامی از ریشه «ربو» یا «ربی» نباشد، بلکه توجه به ریشه «ربب» ما را با فضایی فراختر و مفهومی زیباتر و کاملتر روبه رو می سازد. جالب این است که صاحب المفردات نیز اشتقاق آن را ریشه «رب» دانسته است (قائمی، ۱۳۸۳؛ عبدالباقی، ۱۳۷۶).

به نظر می رسد، مفاهیم « ربیب» و « ربانیت»، که کاربرد قرآنی به چشم می خورد و از ریشه «ربب» است برای نشان دادن ویژگیهای تربیت اسلامی نسبت به مفهوم «تربیت»، که ریشه«ربو» آمده، رساتر و مناسبتر است. بر این اساس، تربیت اسلامی یعنی ربوبی شدن و ربوبی ساختن آدمی (باقری، ۱۳۹۲).

تربیت در اسلام

تربیت اسلامی عبارتست از شکوفایی استعدادهای خدادادی در هر انسان، جهت ایجاد یک اعتدال در زندگی و با قصد رسیدن به اهداف و کمال مطلوب مورد نظر خداوند از دیدگاه استاد مطهری «تربیت یعنی پرورش دادن و به فعلیت رسانیدن استعدادها و ایجاد تعاون و هماهنگی میان آن استعدادها، تا متربی بتواند به حد اعلای کمال خود برسد. تمامی تعاریف علمای اسلامی حول همین تعریف و با تأکید بر هدف کسب قرب الهی بیان شده اند» (بهشتی، ۱۳۸۵).

تربیت هدایت و اداره جریان ارتقایی و تکامل بشر است، به گونه ای که به سوی (الله) جهت دهد. تربیت احیای فطرت خدا آشنای انسان و پرورش ابعاد وجودی او در جهت حرکت به سوی بی نهایت است (قائمی، ۱۳۸۹).

قرآن: هدایت به صراط مستقیم یکی از معانی تربیت است هر روز در نمازهای یومیه دعا می کنیم، خدایا ما را به راه راست هدایت فرما (فاتحه، آیه۷).

امام علی(ع) در مورد تربیت فرمود: هیچ بخششی از جانب پدر به فرزند، برتر از ادب و تربیت نیکو نیست (دهشیری، ۱۳۸۵).

می توان آنچه را اصطلاحا تربیت اسلامی گفته می شود چنین تعریف کرد:شناخت خدا به عنوان رب یگانه ی انسان و جهان و برگزیدن او به عنوان رب خویش و تن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیر (باقری، ۱۳۸۴).

تربیت دو جنبه دارد:یکی-جنبه روحی، دیگر جنبه اجتماعی و تناسب با وضع زندگی محیط لازم است که به هر دو جنبه، به یک میزان توجه شود تا زیانی حاصل نگردد با تربیت درست باید بین آن دو توافقی حاصل شود و فرزند، روحیه ای یابد که در هر جهت، سازگاری داشته باشد. به تعبیر دیگر، حدود تربیت چندین گونه است:

الف- تغییرات بدنی

ب- تغییرات مربوط به اخلاق و عادات و روحیات و در همه ی این موارد تربیت باید طرح اجرایی شایسته ای داشته باشد (مظلومی، ۱۳۸۶).

تربیت دارای معنای گسترده و دامنه داری است که طی آن، استعدادها و قوای گوناگون نهفته در نهاد انسان، برانگیخته و پرورش می یابد تا آدمی به منتهای کمال نسبی خود به میزان طاقت و توانایی خویش دست یابد. برای تربیت نیز بر حسب مکتب و بینش علمای تربیت، تعاریف اصطلاحی متعددی ارائه شده است. معمولا هر کسی از زاویه دید خاص نسبت به انسان، تربیت را تعریف کرده است (حجتی، ۱۳۸۵).

10.21859/psychol-……

فصلنامه علمی تخصصی روانشناسی، علوم اجتماعی و علوم تربیتی ، دوره ۱، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۶، ص ۱۳-۰۱
ISSN: 2588-3976
http://www.Tajournals.com

تربیت فرایندی مستمر، همیشگی، تدریجی، پویا و همه جانبه که طی آن تمام استعدادهای آدمی با استمداد از درون متربی و به مدد کوشش های برنامه ریزی شده در قالب نظامی تعاملی میان مربی و متربی؛ شکوفا می شود و در این فرآیند ظریف به میزان استعداد، توانایی و مساعی او موجبات رشد، پیشرفت و تحول مثبت او را برای رسیدن به کمال شایسته و مختارانه فراهم می سازد.
نکات مهم این تعریف به شرح زیر است:

الف: تربیت، فرایندی مستمر، همیشگی و تدریجی است

تربیت، فرایندی «رب محور» و «خدا گونه پرور» ضمن اینکه این فرایند، مستمر و همیشگی است که در بستر جامعه به معنای عام شکل می گیرد. در واقع، ابعاد اساسی هویت فرد در تعامل با دیگران و از مسیر روابط گروهی و جمعی شکل می گیرد.
حق این است که در تعلیم و تربیت از یک سو، تعلیلی و توقف روا نیست، بلکه ویژگی رشد تعلیمی و تربیتی انسان، استمرار و همیشگی بودن آن است. چه علاوه بر رشد فرد که همیشگی است، تحولات علمی و پیدایش نیازهای جدید، همیشگی بودن تعلیم و تربیت را بیش از پیش ضروری می سازد. از دیگر سو، نوعی تدریج و مرتبط شناسی همراه با رعایت تمکین متربی نیز الزامی است.

ب: تربیت، فرایندی پویاست

تربیت باید در برنامه ریزی زمانبندی شده و متوازن، مبتنی بر شناخت تواناییهای متربیان نیازهای آنان و نیز دلبستگی های آنان انجام گیرد. در فرایند تربیت، باید به مقتضیات زمان و مکان توجه شود. در واقع، بین رشد و زمان نوعی سنخیت وجود دارد. در مضمون حکمتی از مو لا(ع) بر این نکته اشاره شده است که فرزندان خود را به آدابی تربیت کنید که با زمان زیست شما فرق دارد، آفریده شده اند (نهج البلاغه، فیض السلام، ۱۳۷۶).

ج: تربیت، فرایندی فراگیر و همه جانبه است

در فرایند تربیت، مجموعه تدابیر و روشهای گوناگون برای به فعلیت بالقوه متربی، در این فرایند به شکوفا سازی استعدادهای فرد همراه با پرورش ارزش های دینی توجه می شود؛ فرآیندی فراگیر و عمومی که به منظور تربیت افراد مسؤل و وظیفه شناس و رشد شخصیتی انسان اجرا می شود.
از سوی دیگر، شخصیت انسان ابعاد اساسی عقلانی، اجتماعی، عاطفی، جسمانی و معنوی دارد. در تعلیم و تربیت همه جانبه و مستمر همه این ابعاد باید به طور هماهنگ رشد گیرد. انسانی که در یک جهت خاص رشد می کند. انسانی تک بعدی خواهد بود که هم برای خود و هم برای جامعه زیانبار است. تصمیم گیری های درست و عقلانی، رعایت استانداردهای جمعی و هنجارهای مناسب اجتماعی، تهذیب نفس و فرو خوردن خشم و غضب، خدمت رسانی به خلق و کسب رضایت خالق و. .. در اثر تربیت همه جانبه پدید می آید. اساساً چند بعدی بودن انسان موجب می شود که تعلیم و تربیت اسلامی نیز همه جانبه باشد؛ به گونه ای که بتواند تمامی استعدادهای نهفته در نهاد آدمی را شکوفا سازد و انسان تر از مکتب و جامعه قرآ نی را بسازد.

د: در تربیت، استمداد از درون متربی لازم است

در تربیت، زمینه های مناسب و مساعد توسط عوامل تربیتی ایجاد می شود تا متربی، خود شخصاً در به فعلیت رساندن استعدادهای نهفته خویش و کسب صفات و فضایل اخلاقی در جهت دستیابی به کمال مطلوب و لایق انسانی تلاش کند. اصولاً قانون تربیت انسانی در طبیعت و فطرت متربی منقوش است و کار مربیان، این است که زمینه ساز بسترها و فراهم کننده زمینه ای باشد تا خود متربی شخصاً به کشف و تحقق آن فضایل و صفات انسانی بپردازد. از این رو در تربیت، فعال نمودن خود متربی مهم است. در تربیت بر« خود جوشی»، « خودیابی»، «خود انگیزگی» و « خود رهبری» تکیه می شود و مربی، صرفاً « مددیار»، « مشوق»، « برانگیزننده » و «راهنما» است. نقش مربیان و بزرگسالان در فرایند تربیت انسانی این است که با زمینه سازی و فراهم آوردن امکانات مناسب برای رشد و تربیت انسانی، تمامی استعدادها و ذخایر تربیتی نهاده شده در درون متربی را تحقق بخشند (مجلسی، ۱۳۶۳).

10.21859/psychol-……

فصلنامه علمی تخصصی روانشناسی، علوم اجتماعی و علوم تربیتی ، دوره ۱، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۶، ص ۱۳-۰۱
ISSN: 2588-3976
http://www.Tajournals.com

مفهوم عام تربیت، بروز دادن، به فعلیت رساندن و شکوفا کردن استعدادها و قوای ذاتی گوناگون انسان در جهت مطلوب است. فرایندی تعاملی و پیوسته که می تواند در دو بعد مثبت، عوامل و عناصر تربیتی و منفیی میان مربی و متربی در جریان باشد و البته بیشتر از درون متربی سرچشمه می گیرد؛ به دیگر بیان در پرورش استعدادهای نهفته در نهاد فراگیران، باید کوشش و مساعی آنان نبز با راهنمایی و کمک مربیان همراه گردد. در این صورت از محرکها، زمینه ها، عوامل و عناصر تربیتی خارج از افراد باید مدد جست. این عوامل اعم از خانه یا خانواده، که پایه های اولیه – و البته اصلی – تربیتی فرد در آن نهاده می شود، محیطهای مختلف آموزشی متناسب با سن و. . .، هنجارهای دینی که در جمعیت های مذهبی و دینی ارائه می شود، اخلاق، آداب و رسوم اجتماعی، هنجارهای گروهی، رسانه های جمعی- اعم از دیداری، شنیداری، نوشتاری و گفتاری- و نیز عوامل پیش بینی نشده ای است که خودآگاه یا ناخودآگاه در طرز رشد و تربیت متربیان، مؤثر واقع می شود (نهج البلاغه، دشتی، ۱۳۸۷).

روش های تربیتی در نهج البلاغه

امیر المومنین(علیه السلام)در لابلای خطب،نامه ها و حکمت های گهر بار خود از روش های تربیتی گوناگونی نام برده که هر کدام به مقتضای حال،موقعیت، سن و شخصیت افراد متفاوت است و هر کس می تواند با توجه به فراخور موقعیت خود از این سفره پرکت توشه برگیرد.در این جا به پاره ای از این روش ها اشاره می شود:

۱-روش محبت :بی شک از اساسی ترین و کاربردی ترین روشهای تربیت اخلاقی نه تنها در اسلام بلکه در همه ادیان شیوه محبت ورزی است چرا که بیشترین تناسب را با فطرت و سرشت انسانی دارد و هیچ روشی چون محبت در تربیت اخلاقی انسان سازگار نیست.

معصومین(علیهم السلام)همواره از این اکسیر برای هدایت و تربیت بشر به کار برده اند و نه تنها در تربیت اخلاقی پیروان خود از آن استفاده کرده بلکه در جذب و هدایت دشمنان و مخالفان خود هم از این شیوه نهایت بهره را برده اند.امیرالمؤمنین(علیه السلام) در نامه خود به مالک اشتر- که تا امروزِ تاریخ، به عنوان جاودانه ترین سند عدالت گستر در زمینه حکومت داری و توجه به حقوق بشر، ماندگار شده – با و اشعر قَلبکَ الرّحمةَ للرّعیّة، و المحبةَ لَهم، و اللُطف بهم، ولا :» نگاهی ویژه به نقش محبت در اداره حکومت در فرازهایی از آن می فرماید نامه «) تَکونَنّ عَلیهم سَبُعاً ضاریاً تَغتنمُ اَکلهُم....فَاعطهِم مِن عَفوکَ و صَفحِکَ مِثلَ الّذی تُحبّ و تَرضی اَن یُعطیکَ اللهُ مِن عَفوهِ و صَفحه(«. ۵۳ قلب خویش را کانون رحمت و محبّت و لطف به رعیت قرار ده و در مورد آنان همچون درنده ای مباش که خوردنشان را غنیمت شماری،» ...

«.آنان را ببخشای و بر آنان آسان گیر، آن گونه که دوست داری خدا تو را ببخشاید و بر تو آسان گیرد

ایشان در حکمت ۵۰ قُلُوبُ الرِّجَالِ وَحْشِیَّةٌ فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ :» نهج البلاغه به نقش محبت در جذب دل های مردم اشاره دارند و می فرمایند

«.دل های مردم گریزان است، به کسی روی آورند که خوشرویی کند « » عَلَیْهِ

۲-روش معرفی الگو :از روش هایی که سبب عینیت بخشیدن به واقعیت ها شده و از موثرترین روش های تربیت نام برده شده روش الگو گیری است.امام(علیه السلام)در چند جای نهج البلاغه از الگوهای شایسته ای نام برده که اقتدا به آن ها می تواند در تربیت انسان موثر باشد .از جمله در خطبه ۱۱۰ سفارش به تقلید از روش پیامبر(صلی الله علیه)کرده که از بهترین روش از راه و رسم پیامبرتان پیروی کنید که « » وَ اقْتَدُوا بِهَدْیِ نَبِیِّکُمْ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ الْهَدْیِ وَ اسْتَنُّوا بِسُنَّتِهِ فَإِنَّهَا أَهْدَی السُّنَنِ :» های تربیتی است و » بهترین راهنمای هدایت است، رفتارتان را با روش پیامبر(صلّی اللّه علیه و آله و سلّم) تطبیق دهید که هدایت کننده ترین روش هاست نیز در خطبه ۱۶۰ از پیامبرانی نام می برد که الگو های مناسبی برای ساده زیستی هستند(حضرت محمد،حضرت داوود،حضرت موسی و حضرت عیسی(علیهم السلام.))

۳-روش اندرز و موعظه :پند و اندرز(موعظه)یکی از روش های کارآمد در تربیت اخلاقی بشر است که قرآن از آن به بهترین نحو استفاده یَا أَیُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْکُم مَّوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّکُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا .» کرده و آن را درمانی برای سینه ها و هدایت و رحمت برای

10.21859/psychol-……

فصلنامه علمی تخصصی روانشناسی، علوم اجتماعی و علوم تربیتی ، دوره ۱، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۶، ص ۱۳-۰۱
ISSN: 2588-3976
http://www.Tajournals.com

مومنین بیان کرده است یونس «) /فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ .) ۵۷ انسان می تواند در پرتو همین مواعظ___شفا بخش پله های ترقی را طی کرده و به سوی کمال حرکت کند .امام علی(علیه السلام)هم به تاسی از کتاب الهی در حکمت ۱۹۶ و خطبه های۱۹۰ ،۱۸۸، ۹۰و چندین جای دیگر در کتاب شریف نهج البلاغه همگان را دعوت به پیروی از این روش می کنند.ایشان موعظه را باعث نامه «) احی قلبک بالموعظة :» زنده ماندن دل دانسته ۳۱ بالمواعظ تنجلی) :» که به سبب آن غفلت از انسان زدوده می شود آمدی، «) الغفلة(. ۱۳۶۶:۱۴۰

۴-روش تذکر و یادآوری :انسان ها به دلیل برخورداری از شئون مختلف و درگیریهای ذهنی، پیوسته در معرض فراموشی و غفلتند و ضروریترین چیزهایی را که در مسیر تکامل خود به آن نیازمندند از یاد میبرند و در مسیر تربیت اخلاقی خود دچار کاستی هایی می شوند که مانع به کمال رسیدنشان می شود لذا امام علی(علیه السلام)به انحاء مختلف مسائل مهم ومورد نیاز را یادآور می شود و با استفاده از این شیوه میخواهد با یادآوری و هوشیار کردن پیروان خودتا حدی از مشکلاتشان بکاهد و مسیر تربیت آن ها را هموار سازد .ایشان به یاد خدا باشید که نیکوترین ذکر «» أَفِيضُوا فِي ذِكْرِ اللّهِ فَإِنّهُ أَحْسَنُ الذِّكْر :» نیکوترین تذکر را برای آدمی یاد حق می داند و می فرماید خطبه «) است .) ۱۱۰ در این روش تربیتی، یاد مرگ جایگاهی ویژه در تربیت دارد، زیرا غفلت آدمی از مرگ و معاد، بزرگترین عامل عصیان و فساد است.امیر مؤمنان علی(علیه السلام)در این خصوص در خطبه ۱۸۸ أُوصِيكُمْ بِذِكْرِ الْمَوْتِ :» می فرمایند

شما را به یاد کردن مرگ و کاستن بی خبریتان از آن سفارش می کنم .چگونه از «» وَ إِقْلَالِ الْغَفْلَةِ عَنْهُ وَ كَيْفَ غَفْلَتُكُمْ عَمّا لَيْسَ يُغْفِلُكُمْ «.چیزی غافلید که شما را رها نمی کند و از شما غافل نیست

۵-روش عبرت و پندآموزی :عبرت واژهای است که در قلمرو اخلاق و تربیت کاربرد فراوان وگستردهای دارد .دین آسمانی اسلام نیز فراوان، مسلمانان را به تفکر واندیشه درسرگذشت دیگران جهت عبرت گرفتن از آن ها فراخوانده است.هدف این روش تربیتی آن است که انسان از حوادثی که برایش پیش می آید، تحولی درونی در او ایجاد شود و پذیرای پیام موجود در آن گردد .امام علی(علیه السلام)آیات قرآن را خوانساری، «) تَدَبّرُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ وَ اعْتَبِرُوا بِهِ فَإِنّهُ أَبْلَغُ الْعِبَرِ :» رساترین عبرت ها می داند ۱۳۶۶ ،ج .) ۲۸۴:۳ و در جای دیگر به حارث همدانی از حوادث « وَ اعْتَبِرْ بِمَا مَضَى مِنَ الدّنْيَا لِمَا بَقِيَ مِنْهَا فَإِنّ بَعْضَهَا يُشْبِهُ بَعْضاً وَ آخِرَهَا لَاحِقٌ بِأَوّلِهَا وَ كُلّهَا حَائِلٌ مُفَارِقٌ :» چنین سفارش می کند نامه «) گذشته تاریخ، برای آینده عبرت گیر، که حوادث روزگار با یکدیگر همانند بوده، و پایان دنیا به آغازش می پیوندد و همه آن رفتنی است .) ۶۹ایشان در حکمت ۲۰۸ مَنِ :» از این گنجینه گران بها در تربیت آدمی پرده بر می دارد و آن را باعث بینایی و فهم و دانش انسان می داند «هر که عبرت گرفت بینا گردید و آن که بینا شد فهمید و آن که فهمید دانش ورزید » اعْتَبَرَ أَبْصَرَ وَ مَنْ أَبْصَرَ فَهِمَ وَ مَنْ فَهِمَ عَلِم. هم چنین مولای متقیان(علیه السلام) در خطبه ۱۰۳ رَحِمَ اللهُ امْرَأً تَفَكّرَ فَاعْتَبَرَ وَ اعْتَبَرَ :» انسان هایی را که عبرت می پذیرند مورد رحمت خدا می داند «فَأَبْصَر . البته انسان هایی که دارای ایمانی عمیق هستند به دنیا با دیده عبرت می نگرند و همین امر زمینه تربیت مطلوب آدمی را فراهم می سازد چنان که مولا(علیه السلام)در حکمت ۳۶۷ همانا انسان با ایمان به جهان به » إِنّمَا يَنْظُرُ الْمُؤْمِنُ إِلَى الدّنْيَا بِعَيْنِ الِاعْتِبَار :» فرموده «.دیده عبرت می نگرد البته به غیر از روش های نامبرده روش های دیگری هم هستند که از امام(علیه السلام)در نهج البلاغه بیان شده از جمله :عفو و تغافل، تنبیه و تشویق،مدارا و خوشرویی،امر به معروف و نهی از منکر،پرورش میل و اشتیاق،مراقبه و محاسبه، تکریم شخصیت و چندین و چند روش تربیتی دیگر که مجال بحث آن ها نیست و طالبان آن را به اصل کتاب شریف ارجاع می دهیم.ان شاء الله همگان بتوانیم در پرتو تعالیم منور اهل بیت به ویژه مولای متقیان(علیهم السلام)با تربیت اخلاق خود راه سعادت خویش را هموار نماییم.

10.21859/psychol-……

فصلنامه علمی تخصصی روانشناسی، علوم اجتماعی و علوم تربیتی ، دوره ۱، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۶، ص ۱۳-۰۱
ISSN: 2588-3976
http://www.Tajournals.com

روش تحقیق

از آنجاییکه در این پژوهش هدف بررسی تربیت از نظر اسلام ، و تربیت از منظر حضرت علی(ع) بود پژوهشگر از روش تحلیل محتوا استفاده کرده است. تحلیل محتوا یک شیوه پژوهشی است که برای تشریح عینی، منظم و کمی محتوای آشکار پیام های ارتباطی به کار می رود. این شیوه ابتدا در علوم ارتباطات به کار گرفته شد و در حال حاضر ، بخصوص در سال های اخیر این شیوه پژوهش در سایر علوم، از جمله علوم تربیتی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. تحلیل محتوا به اعتقاد بیشتر صاحبنظران روش پژوهشی است که برای بیان مفاهیم یا واژه های معینی در یک متن و یا مجموعه ای از متون استفاده می شود. برخی نیز آن را یک روش تجزیه و تحلیل داده ها می دانند. متن می تواند شامل کتاب، فصل یا فصل هایی از یک کتاب، نوشته ها، مصاحبه، گفتگو، عناوین و مقالات مطبوعات و اسناد تاریخی باشد. پژوهشگر با استفاده از تحلیل محتوا مفهوم تربیت و ارتباط بین واژه ها و یا مفاهیم را تحلیل کرده و درباره تربیت، تربیت در اسلام، تربیت از منظر حضرت علی (ع) نتیجه گیری می نماید.

نتیجه گیری

مهمترین ویژگی های انسان، تربیت پذیری است که از آغاز پیدایش شروع شده و در طول تاریخ ادامه داشته و خواهد داشت. تعلیم و تربیت یک نشو و نمای مداوم انسانی است که نسل بزرگتر حاصل آموخته ها و تجربه های خود و گذشتگان را به نسل کوچکتر منتقل می سازد. ترقی و تمدن انسان ها در ابعاد مختلف، معلول همین تعلیم و تربیت است.

در دنیای امروزه نیز نظریات و رویکردهای تطبیقی مختلفی وجود دارد که هر یک از این نتایج تحقیقات تعدادی در باب انسان، یادگیری های وجود او تدوین گردیده است. یک دسته از تحقیقاتی که می تواند شگفتیهای دستورات و راهکارها و روشهای دین مبین اسلام در باب انسان و تربیت او را نمایان سازد، مطالعات تطبیقی است که به مقایسه رویکردهای جدید علمی در مورد روشهای تربیت انسان با رویکرد تربیت اسلامی و روشهای آن می پردازد. یکی از این رویکردهای جدید و علمی در دنیای امروز در باب یادگیری و روشهای تربیتی رویکرد تربیت مغز محور است، که موضوع اصلی این پژوهش بر تطبیق این رویکرد و رویکرد تربیت اسلامی قرار گرفته است.

اسلام به عنوان کاملترین دین در تعلیم و تربیت انسان ها مکتب خاصی دارد که از نوع جهان بینی و انسان شناسی او سرچشمه می گیرد. آفرینش انسان بی هدف و لغو نیست. بدین هدف آفریده شده تا با علم و عمل صالح و اخلاق نیک روح انسانی خود را پرورش و تکامل دهد و برای زندگی خوب و نورانی جهان پس از مرگ آماده سازد.

اصول و فضایل اخلاقی که از دیدگاه امیر المومنین(علیه السلام)بیان شد از قبیل تقوا،نظم و برنامه ریزی،خودشناسی،تواضع و فروتنی،جوانمردی و نیز روش های تربیتی که این امام بزرگوار در کتاب شریف نهج البلاغه بیان نموده اند چه آن هایی که ذکر شد وچه آن هایی که مجال بحث آن ها نشد امروزه می توانند راه گشا و گره گشای انسان ها،خانواده ها و جوامع اسلامی و غیر اسلامی شده و آن ها را از بن بست های اخلاقی و رفتاری به وجود آمده نجات بخشد.البته این روش ها با توجه به شرایط و مقتضیات افراد با تناسب ظرفیت،توانایی و فهم آن ها کاربرد داشته و متناسب با نیاز هر فرد اجرایی می گردد.

فهرست منابع

-قرآن کریم،ترجمه آیت الله مکارم شیرازی
-آمدی،عبدالواحد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۶
- .ابن ابی الحدید،شرح نهج البلاغه ج ۲۰ ،بی نا، ۶۴۹ ق.
-ابن میثم،کمال الدین، شرح نهج البلاغه،ترجمه محمدصادق عارف،مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۵
-الزبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، بیروت، انتشارات دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.

10.21859/psychol-……

فصلنامه علمی تخصصی روانشناسی، علوم اجتماعی و علوم تربیتی ، دوره ۱، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۶، ص ۱۳-۰۱
ISSN: 2588-3976
http://www.Tajournals.com

-بارو، رابین، درآمدی بر فلسفه اخلاق و آموزش و پرورش اخلاق،ترجمه فاطمه زیبا کلام، تهران، نشر حفیظ. ۱۳۹۱
-خوانساری، جمال الدین محمد، شرح غرر الحکم و درر الکلم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۶۶
-جعفری تبریزی، محمد تقی،ترجمه نهج البلاغه، مشهد،آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی. ۱۳۸۰
-دشتی،محمد، نهج البلاغه، قم، صفحه نگار. ۱۳۷۹
-طباطبایی، سید محمد حسین، نهایه الحکمه، قم، انتشارات موسسه نشر اسلام. ۱۳۶۲
-تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی. ۱۳۷۴
-مسکویه، ابن علی، تهذیب الاخلاق و تطهیرالاعراق، قم، انتشارات بیدار،بی تا.
-فلسفه اخلاق، تهران، انتشارات صدرا. ۱۳۷۲

10.21859/psychol-……

فصلنامه علمی تخصصی روانشناسی، علوم اجتماعی و علوم تربیتی ، دوره ۱، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۶، ص ۱۳-۰۱
ISSN: 2588-3976
http://www.Tajournals.com

Study of Education from Nahjolbalaghe's Viewpoint

Dr. Seyyed Ahmad Hashemi 1 and Maryam Sosayesh Fard 2
1-, Associate Professor, Department of Educational Sciences, Lamerd Branch, Islamic Azad University, Lamerd, Iran
2- PhD student in Islamic philosophy of education, Lamer unit, Islamic Azad University of Lamard, Iran
t_setayeshfar@yahoo.com

Abstract
The purpose of this research is to familiarize oneself with the ethics and understanding of Nahj al-Balagha in order to teach human education. "Education" and "education" are two key concepts in the scientific and spiritual life of mankind, which are constantly working together. They are gone and they are together. In this research, using qualitative method, all available printed and electronic resources are used based on the goals and research questions for collecting information, is trying to In addition to the definition of education, the educational characteristics of the Islamic system are examined and then, using the expression of Fasyh and Bessam Amir al-Momenin (as) the goals of education, the teachings and teachings and educational methods of the Prophet.

Key words: education, Islamic system, Nahj al-Balaghah

10.21859/psychol-……